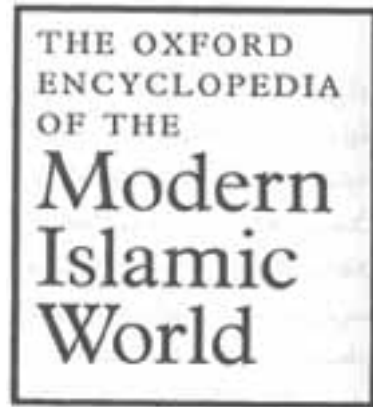


دایرةالمعارف دنیای نوین اسلام

The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World, editor in chief: John L. Esposito, New York, Oxford University Press, 1995, 4 Vols.



در سالهای اخیر سرمایه‌گذاری غرب در زمینه مطالعات اسلام‌شناسی افزایش چشمگیر یافته است. صرفنظر از صدها مجلد کتاب و تحقیق منتشر شده در این حوزه، در سال ۱۹۹۵ میلادی دو دایرةالمعارف جدید منتشر شد: دایرةالمعارف دنیای نوین اسلام از انتشارات دانشگاه آکسفورد و دایرةالمعارف خاورمیانه نوین از انتشارات مکمیلان. انتشار این دو اثر مرجع، گویای توجه جدی محافل سیاسی و دانشگاهی غرب به نهضت جهانی بیداری اسلامی است. لازم به توضیح است که دانشگاه امریکایی بیروت نیز پروژه تدوین «دایرةالمعارف تاریخی بنیادگرایی اسلامی جدید» را آغاز کرده است. مسئولیت این پروژه با فردی بنام A. S. Moussalli است. مقاله حاضر به معرفی دایرةالمعارف دنیای نوین اسلام اختصاص دارد.

دایرةالمعارف دنیای نوین اسلام آکسفورد با ۷۵۰ مقاله، به زبان انگلیسی، در ۴ مجلد، در حدود ۱۸۹۰ صفحه برای نوبت اول در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴ ه.ش) به چاپ رسید. این مجموعه که با سر ویراستاری جان اسپوزیتو، استاد مذاهب و امور بین‌الملل و مدیر مرکز تفاهم مسلمانان و مسیحیان دانشگاه جرج تاون، شکل گرفته در واقع حاصل تلاش چند ساله دهها محقق، استاد، مؤلف و پژوهشگر است که برای اولین بار به شکل خاصی از نظام اطلاعاتی تدوین شده است. مشاور ارشد این اثر آلبرت حورانی بود. وی پس از

بازنشستگی از کالج سن آنتونی دانشگاه آکسفورد، به همراه چند تن از مشاوران خود از جمله نظیف شحرانی، استاد انسان‌شناسی مرکز مطالعات آسیایی و مدیر برنامه خاورمیانه دانشگاه ایندیانا، و خانم مارتا بریل الکت، استاد علوم سیاسی دانشگاه کلگیت، برنامه‌ریزی و تنظیم این اثر را برعهده گرفت، ولی قبل از انتشار آن چشم از جهان فرو بست. در تدوین این مجموعه از مشاوره سید حسین نصر، نیکی کیدی و حامد الگار نیز بهره گرفته شده است. در مقدمه آمده که بنا به توصیه آلبرت حورانی، هیئت تحریریه، مشاوران و همکاران این دایرةالمعارف از کشورهائی انتخاب شده‌اند که در این مجموعه از آنها بحث شده و شامل دانش‌پژوهانی از ایالات متحده، اروپا و کشورهای اسلامی است.

یکی از مهمترین محورهایی که در این اثر به آن پرداخته شده، انقلاب اسلامی ایران است. در دایرةالمعارف‌های پیشین غربیان درباره اسلام (مانند دایرةالمعارف اسلام لیدن) گرایش غالب توجه به تسنن و کشورهای عربی بود. وجه تمایز این اثر با آثار مشابه در گذشته توجه ویژه به تشیع و ایران است. این امر از تحولات دنیای اسلام سرچشمه می‌گیرد و بیانگر این واقعیت است که بخش مهمی از «دنیای نوین اسلام» بایژواکهای انقلاب اسلامی ایران تعیین هویت می‌شود. اسپوزیتو در پیشگفتار خود در این باره چنین می‌نویسد: حوادث دهه‌های اخیر نیاز به مرجعی اصلی که بتواند دسترسی بلاواسطه به پژوهشهای جاری درباره حضور و نفوذ اسلام در پهنه جهانی را تامین نماید روشن ساخته است. دایرةالمعارف دنیای نوین اسلام آکسفورد برای تامین این نیاز پدید آمد. فقدان چنین اثری به ویژه پس از انقلاب ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ ایران، که حضور مجدد اسلام را در سیاست و جامعه عمیقاً روشن ساخت، آشکار شد. این انقلاب ثابت کرد که نه تنها در سیاست خاورمیانه بلکه در مطالعات اسلام و دنیای اسلامی نیز یک نقطه عطف است. بهر روی، برای کسی که به ارزیابی اهمیت و تاثیر نهایی انقلاب ایران بپردازد، این انقلاب بسیاری از کاستی‌های ما را در شناخت اسلام و دنیای اسلامی آشکار می‌کند و همچون یک عامل دگرگون‌کننده [نیاز به] بازسازی این شناخت را ثابت می‌کند.

وی در ادامه، انقلاب ایران را ضربه‌ای ناگهانی بر پیکره اسلام‌شناسی غرب، که آن را اسیر یک پوشش خبری جاهلانه می‌داند، ارزیابی نموده و درباره آن چنین اظهار نظر می‌کند: اسلام دومین دین بزرگ جهان است. قریب به یک میلیارد مسلمان در بیش از ۴۸ کشور اسلامی، از آفریقا تا آسیا، زندگی می‌کنند و اقلیت‌های قابل توجهی از مسلمانان در میان ملت‌های اروپا و امریکا حضور دارند. برغم این واقعیت، در پی

انقلاب ایران غرب دریافت که تا چه اندازه شناخت و درکش از اسلام و پویندگی‌های دینی در جوامع مسلمان اندک است. جهل و کلیشه‌سازی از اسلام و جوامع مسلمان با مجموعه‌ای از این شناخت در رسانه‌ها، آموزش‌های پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی، انتشارات و تحلیل‌های سیاسی، که به طرز شگفتی محدود است، پیوند خورده است. انقلاب ایران، از بسیاری جهات، ضربه‌ای بر غریبان بود و آنان را متوجه ناآگاهی و تن‌آسایی‌شان [در زمینه مطالعات اسلامی] نمود. این انقلاب سبب پیدایش توجه به اسلام و دنیای مسلمان شد و به طرز فزاینده‌ای به آشنایی با آئین اسلام، وحدت و تنوع آن، و به ویژه حضور مجدد جهانی اسلام انجامید.

وی برای تکمیل بیان فوق، وضعیت اجتماعی جوامع مسلمان و نحوه برخورد آنها با اسلام را به اختصار شرح داده است:

از اواخر سالهای دهه ۱۹۶۰، بخش اعظم جهان اسلام، احیای اسلام را در حیات شخصی و عمومی تجربه کرده است. توجه بیشتر به آئین‌های دینی (نماز، روزه، پوشاک، ارزشهای خانوادگی) با حضور مجدد اسلام در دولت و جامعه همراه بود. شیوه سخنگویی، نمادها، و فعالین اسلامی به بخش ثابت و غالب در حیات عمومی مسلمانان بدل شدند. این امر غالباً از سوی حکمرانان برای تحکیم ناسیونالیسم، یا از سوی مخالفین آنها در مبارزه با مشروعیت حکومتگران و شکل‌های سکولار [غیردینی] ناسیونالیسم و سوسیالیسم مورد استفاده قرار می‌گرفت. دفع وابستگی سیاسی و فرهنگی به غرب، غربی شدن و سکولار شدن جامعه، به نوزایی و تحکیم روحیه مباهات به افتخارات گذشته و جستجوی هویتی مبتنی بر خود و بازگشت، و ارزیابی مجدد، ارزشهای خودی انجامید. برغم تفاوت‌های وسیع در جوامع مسلمان، برای بسیاری بازگشت به گذشته به معنای رویکرد به تاریخ و میراث اسلامی‌شان و بازگشت به اسلام بمثابه منبع هدایت فردی و به عنوان یک جایگزین ایدئولوژیک در برابر دولت و جامعه بود.

متناسب با این نیروی حیاتی نویافته جهان اسلام، در عرصه دانش دینی، تاریخی و اجتماعی [غرب] نیز انفجاری رخ داد. افزایش پژوهشها و دانش اسلام‌شناختی به نوسازی عدم تعادل‌های گذشته انجامید و در برخی موارد «دانش گذشته» را به چالش فراخواند؛ با این ادعا [ی‌نو] که مدرنیزاسیون و خودبودگی دینی الزاماً ناسازگار نیستند و غیر دینی کردن جامعه [سکولاریزاسیون] پیش شرط دگرگونی یا توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیست.

در تأیید گفته اسپوزیتو، دال بر بازسازی دانش اجتماعی غرب بر مبنای پژوهشها و

پیامدهای انقلاب اسلامی ایران، نمونه‌های متعدد می‌توان یافت. جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز از اینگونه است.^۱ در این درسنامه رسمی جامعه‌شناسی، تقسیم‌بندی‌های کلاسیک گذشته دگرگون شده و بخش مفصلی به «دین» اختصاص یافته است. فصلی از این بخش نام «انقلاب اسلامی» را بر خود دارد. گیدنز در آغاز این بحث می‌نویسد: در جامعه‌شناسی گذشته، مارکس، دورکهم و وبر، ادعا می‌کردند که در دنیای معاصر دین به طرز فزاینده‌ای به حاشیه می‌رود و سکولاریزاسیون یک فرآیند اجتناب‌ناپذیر است. از میان این سه اندیشمند بزرگ علوم اجتماعی احتمالاً تنها وبر به امکان ایفای نقش اسلام به عنوان عامل دگگونیه‌های مهم سیاسی توجهی داشت. این دقیقاً همان رخدادی است که در دهه ۱۹۸۰ در ایران به وقوع پیوست. در سالهای اخیر «بنیادگرایی اسلامی»، واژه‌ای که گیدنز به کار می‌برد، بر سایر کشورها تاثیر معتناهایی برجای نهاده است.^۲

اسپوزیتو در پیشگفتار، ضمن اشاره به تاریخچه تکوین دایرة‌المعارف اسلام آکسفورد، به مقایسه دو مرجع، دایرة‌المعارف اسلام لیدن و تاریخ اسلام کمبریج با دایرة‌المعارف دنیای نوین اسلام آکسفورد پرداخته و ویژگیهای هر یک را برشمرده است:

هر چند مطالعات سودمند بسیاری در جهت اصلاح تفکر مرسوم و توسعه دانش و پوشش اطلاعاتی ما از اسلام و جهان اسلام صورت گرفته است، اما با وجود این، هیچ کتاب مرجعی که بر دوران معاصر تمرکز یافته و جهان اسلام را به شیوه‌ای جامع، تطبیقی و اصولی مورد بررسی قرار داده باشد وجود ندارد. دانش‌پژوهان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و تحلیل‌گرانی که در جستجوی اطلاعاتی پیرامون اعتقادات، حوادث، جنبشها و رهبران اسلامی هستند، کمبود منبع و راهنمایی سهل‌الوصول را به خوبی احساس کرده‌اند. بعضی مرجعهای موجود دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و برخی دیگر هم بیشتر بر تاریخ، زبان و ادبیات تأکید دارند تا بر زمینه‌های جدید. دایرة‌المعارف اسلام (چاپ اول، ۵ جلد، انتشارات لیدن (هلند)، ۱۹۰۸ - ۱۹۳۸؛ چاپ جدید، تاکنون ۸ جلد، انتشارات لیدن، ۱۹۶۰ -) عمدتاً بر متون کلاسیک و تاریخ باستان و میانه متکی است. به علاوه، این پروژه عظیم با مجلداتی که گاه به گاه منتشر می‌کند، تولید آن دهه‌ها به طول انجامیده و همین امر باعث می‌شود این اثر تا مدت‌ها ناتمام و ناقص بماند.

دایرة‌المعارف دنیای نوین اسلام آکسفورد مکمل دایرة‌المعارف اسلام لیدن است.

1 . Anthony Giddens. *Sociology*. Britain: Polity Press, 1989.

این درسنامه در سالهای ۱۹۸۹ (دوبار)، ۱۹۹۰ (دوبار)، ۱۹۹۱ (دوبار)، ۱۹۹۲ (سه بار) به چاپ رسید و در سال ۱۹۹۳ با تجدیدنظر کلی منتشر شد.

2 . *ibid*, p. 477.

این دایرةالمعارف بر شیوه‌هایی که مسلمانان در عصر جدید با کنش اجتماعی و سیاسی مقاصد خود را رسانده‌اند و نیز بر متون رسمی متمرکز است. به علاوه بر بینش‌های علوم اجتماعی به همان اندازه تأکید می‌ورزد که بر دین، تاریخ و ادبیات. تاریخ اسلام کمبریج (کمبریج، ۱۹۷۰)، که بیش از دو دهه از عمر آن می‌گذرد، عمدتاً به تاریخ پرداخته است و حدّ فاصل بین دوران قبل از اسلام تا عصر تشکیل دولتهای ملیّ مستقل را شامل می‌شود. در ساختار یا مکان اصلی جغرافیایی آن از تقسیم دو بخشی «مرکز - پیرامون» استفاده شده است: (سرزمینهای اسلامی مرکزی [ج ۱] و سرزمینهای اسلامی دیگر [ج ۲]). دایرةالمعارف آکسفورد جنبه تطبیقی بیشتری دارد و به محیطهای جغرافیایی توجه کمتری کرده. این اثر شامل پوشش اطلاعاتی گسترده‌ای از تفاسیر، حوادث و جنبشهای معاصر است.

وی دربارهٔ انگیزهٔ تدوین و ویژگیهای این اثر می‌نویسد:

ارزیابی منابع موجود به دست آمده در تماس با دانشجویان، دست اندرکاران رسانه‌های گروهی و تحلیلگران سیاسی تکمیل شد. این افراد به عدم موفقیت خود در یافتن اطلاعات مختصر و سهل‌الوصول درباره سیاستها و جوامع معاصر مسلمانان اذعان داشتند. این واقعیتها متقاعدمان ساخت که نیاز به مرجعی عظیم و قابل دسترس پیرامون دنیای نوین اسلام، نیازی مبرم و ضروری است. در کل سه ویژگی باعث شده است تا این اثر روزآمد و متمایز جلوه کند: اول اینکه محور اصلی مقالات آن مربوط به دوران معاصر است، به خصوص از پایان قرن هیجدهم تا عصر حاضر یعنی از زمانی که رویاروییهای مستقیم و غیرمستقیم با امپریالیسم اروپایی و تکنولوژی و ایدئولوژیهای غرب، روند خودآزمائی بنیادین در بین مسلمانان و فرایند اجتناب‌ناپذیر تحول فرهنگی را سرعت بخشید. دوم اینکه این اثر عمدتاً بر روشهای علوم اجتماعی مبتنی است. بینشهای جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی با بینشهای مذهبی، تاریخی و ادبی ترکیب شده است تا واقعیتهای تحولی حیات مسلمانان را بیان کند. سوم اینکه، دایرةالمعارف آکسفورد بین رویکرد ماهیت‌گرا و واقعیتهای تجربی جهان سوم تعادل برقرار کرده است. این اثر با اتکا به اسناد، پیچیدگی و گوناگونی معتقدات، آداب و نظامهای فکری را، که عمدتاً مبتنی بر مطالعات تطبیقی است، مطرح می‌کند. از اینرو، این مرجع بر وجوه نظری و عملی اسلام، کنش اجتماعی و نیز متون رسمی تأکید دارد. این دایرةالمعارف بر آن زمینه‌ها و فرهنگهای عام و خاصی تأکید می‌ورزد که مسلمانان در آنها حیات خود را به سر می‌برند و به تفسیر و تدبیر متون خود می‌پردازند.

در مورد وجه تسمیه این اثر چنین آمده:

از همان آغاز، بحث‌های فراوانی در مورد تعیین عنوان اثر صورت گرفت. به خصوص، نقاط عمده کاربرد واژه «جهان اسلام» در مقابل «جهان مسلمان» و کلمه «نوین» [مدرن، معاصر] بود. با توجه به اینکه شاید هیچ یک از این راه‌حل‌ها رضایت خاطر منتقدان آکادمیک را فراهم نسازد، عنوان حاضر را پذیرفتیم. از آنجا که این دایرةالمعارف بر «بُعد اسلامی» مدخل‌های خود تاکید دارد و چون «جهان مسلمان» مجموعه عام‌تری است، از اینرو به جای «جهان مسلمان» واژه «جهان اسلام» را برگزیدیم. واژه «مدرن» برای ارجاع به سه قرن گذشته انتخاب شد.

به منظور تأمین اطلاعات جامعی از شمای مفهومی این دایرةالمعارف، خطوط اصلی مقالات در آخر جلد چهارم ذکر شده است.

نمونه‌ای از مدخل‌های دایرةالمعارف اسلام آکسفورد به شرح زیر است:

نهاده‌ها، سازمانها، جنبشها: بنیاد آقاخان، بنیاد خویی، نزاع اعراب - اسرائیل، ناسیونالیسم عربی، حزب، حزب التحریر الاسلامی، بانک توسعه اسلامی، انجمن اسلامی شمال امریکا، سازمانهای جهادی، مجلس، سلطنت، مسجد، اخوان المسلمین، ناصریسم، پان‌اسلامیسم، پان ترکیسم ...

ایران: انجمن، بازار، بنیاد، انقلاب مشروطه، فدائیان اسلام، حزب‌الله، انقلاب ۱۹۷۹ ایران، حزب جمهوری اسلامی، کمیته، نهضت آزادی ایران، مجاهدین، مجاهدین خلق، سلسله صفویه، سلسله افشاریه، سلسله زندیه، سلسله قاجاریه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، زورخانه.

زندگینامه‌ها: گلبدین حکمت‌یار (افغانستان)، عبدالقادر، احمد العلوی، محمد ارغون (الجزایر)، عمر عبدالرحمن، محمد عبده، جمال‌الدین افغانی [اسدآبادی]، حسن البنا، محمد غزالی، طه حسین، عبدالرحمن کواکبی، خالد محمد خالد، جمال عبدالناصر، سید قطب، محمد رشید رضا، محمد شلتوت (مصر)، شاه عبدالعزیز، سید احمدخان، ابوالکلام آزاد، محمد اقبال، ابوالعلا مودودی، شاه ولی‌الله (هند)، محسن حکیم، ابوالقاسم خویی، محمدباقر صدر (عراق)، محمدحسن فضل‌الله، کمال جمبلاط، موسی صدر (لبنان)، عمر مختار، معمر قذافی (لیبی)، عبدالحمید دوم، انور پاشا، حسن بن علی (شریف مکه)، محمدسلیم پاشا (عثمانی)، محمدعلی جناح (پاکستان)، بهاء‌الله (فلسطین)، محمد بن عبدالوهاب، عبدالعزیز بن عبدالرحمن، فیصل بن عبدالعزیز (عربستان سعودی)، صادق المهدی، حسن الترابی (سودان)، رشید الغنوشی (تونس)، مصطفی کمال آتاتورک، نجم‌الدین اربکان، تورگوت اوزال (ترکیه)، عالیجاه محمد، ملکم ایکس، سید حسین نصر (ایالات متحده امریکا)، جمال‌الدین افغانی [اسدآبادی]، باب،

مهدی بازرگان، محمدحسین بروجردی، عبدالکریم حائری یزدی، ابوالقاسم کاشانی، احمد کسروی، روح الله موسوی خمینی، محمدباقر مجلسی، ملکم خان، مرتضی مطهری، محمدحسین نائینی، فضل الله نوری، رضاشاه پهلوی، محمدرضا شاه پهلوی، علی شریعتی، محمدحسین طباطبایی [علامه]، محمود طالقانی.

باتوجه به هدف تدوین این دائرةالمعارف، که ارائه یک مرجع جامع از دنیای اسلام در سه سده اخیر به غربیان است، فقدان برخی مدخل‌ها عجیب جلوه می‌کند. برای نمونه، برای علمای مهم و موثری چون میرزای شیرازی، آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا محمدتقی شیرازی مدخل مستقل وجود ندارد. در حالیکه برای برخی رجال و سران کشورهای اسلامی، چون قذافی و نجم‌الدین اربکان، مدخل‌های مستقل انتخاب شده درباره دو شخصیت مطرح دنیای اسلام، آیت الله سید علی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، مقاله‌های مستقل درج نگردیده. محتوای برخی مقالات دائرةالمعارف اسلام آکسفورد نیز قابل بررسی و نقد است که به فرصتی دیگر موکول می‌گردد.

شماری از دست اندرکاران تدوین این دائرةالمعارف ایرانی‌الاصول هستند که نام برخی از آنها ذکر می‌شود: هوشنگ امیراحمدی، فخرالدین عظیمی، بهمن بختیاری، ایرج بشیری، مهرزاد بروجردی، حمید دباشی، محمدرضا جلیلی، مهرداد امانت، اصغر فتحی، حمید مولانا، مهدی مظفری، شهلا حائری، اروند آبراهامیان، شاهرخ اخوی، گیتی نشات، باقر معین، و سید حسین نصر.

محمد عوادزاده

عبدالله شهبازی